

رنج دانش‌آموزی در روزگار سخت

آغاز سال نوي تحصيلي با افزايش قيمت لوازم‌التحرير آمار بازماندگان از تحصيل و محروميتهاي ديگر

مریم مقدسي

«گوشت گرون شد، نخوردیم، میوه گرون شد، نخوردیم، برنج گرون بشه، نمی‌خوریم، اما نمی‌تونیم آینده بچه‌مون رو تباه کنیم که...» دل همه کسانی که با وسواس و دقت دفترها و جعبه‌های مداد را بررسی می‌کنند و قیمت را می‌پرسند، همین‌قدر پر است و منتظرند کسی بحث را شروع کند تا آنها هم مجال درد دل پیدا کنند: «سه تا دانش‌آموز دارم، شما حساب کن بخوام برای هر کدوم يك ميليون و پونصد خرید کنم چقدر میشه، من یه کارگرم مگه حقوقم چقدره؟» بازار تهران روزهای آخر تابستان را پر ازدحام می‌گذراند، هر چند کسبه معتقدند بازار رونق قبل را ندارد، اما در بازار بین‌الحرمین و پیاده‌روهای راسته اصلی، بساط لوازم‌التحریر دستفروش‌ها چندان هم بیرونق نیست: «مجبوریم، نمی‌تونیم که به بچه بگیرم نرو مدرسه، یا دفتر و مداد و خودکار نمی‌تونیم برات بخریم، به هر ترتیبی شده تهیه می‌کنیم، چاره چیه.» زن این را می‌گوید و بسته‌های مداد رنگی بساط دستفروش را زیر و رو می‌کند تا دخترش یکی را انتخاب کند: «از هفتاد تومن دارم تا يك ميليون و پونصد، شما بگو چي مي‌خوای.» این را مرد دستفروش به مشتری‌اش می‌گوید که قیمت مداد رنگی را پرسیده. دستفروش جوان درست می‌گوید، تفاوت قیمت کالاها در دالان‌های بازار همین‌قدر عجیب و دور از هم است. برای کالاهای تولید داخل و کالاهای وارداتی و حتی قاچاق که در گوشه و کنار بازار به وفور در دسترس است، قیمت‌ها فاصله زیادی باهم دارند.

همانقدر که در نگاه پدرها نگرانی از شرمنده شدن بچه‌ها موج می‌زند، مادرها سعی دارند به شکلی هزینه‌ها را با قانع کردن بچه‌ها برای خرید معقول‌تر مدیریت کنند. اما بچه‌ها دلشان می‌خواهد کیفشان را با بهترین دفترها و مدادهای بازار پر کنند و به کلاس درس فکر

میکنند و اینکه پیش همکلاسی‌ها سرشان بالا باشد. البته بازار هم قواعد خود را دارد: «گرونی شده درسته، اما این هم انصاف نیست که جنس پارسال رو دارن به قیمت امسال با چند برابر قیمت می‌فروشن، ما مردم باید هوای همو داشته باشیم.» این را یکی از پدرها که دخترش در حال انتخاب مدادرنگی است، می‌گوید و اضافه می‌کند: «چند تا دفتر خریدم شده 500 هزار تومن، تازه این فقط يك بخشی از هزینه است. سرویس مدرسه و لباس فرم و کتاب کمک آموزشی هم باید حساب کنیم.» پدر و دختری در میان ازدحام و حرکت کند جمعیت در یکی از دالان‌ها گله می‌کنند از خستگی: «دختر: اونقدر شلوغه نفهمیدم چي خریدم. پدر: منم نفهمیدم چي خریدي فقط می‌دونم تا الان دو [میلیون] تومن خرج کردیم.» ازدحام در بازار بین‌الحرمین در روز آخر تابستان آنقدر زیاد است که مانع از شکل‌گیری گفت‌وگو بین آدم‌ها میشود اما در همان بین آدم‌ها زیر لب غر می‌زنند یا با بچه‌ها چانه می‌زنند که: «پرگار که پارسال خریدي، نمیشه همون رو استفاده کنی؟» یکی از فروشندگانها می‌گوید: «بیشتر مشتری‌ها فقط دفتر و مداد و خودکار می‌خرن، معمولاً سعی می‌کنن بچه‌ها از همون وسایلی که پارسال خریدن استفاده کنن.» منظورشان جامداتی و کیف و قمقمه و ... است که امسال گرانتر شده است. کیسه‌های خرید در دست آدم‌ها هم همین را می‌گوید، دفتر و مداد و خودکار و در مواردی مداد رنگی جزو مهم‌ترین خریدهای بچه‌هاست و اقلام دیگر کمتر در لیست خریدها قرار دارد.

یکی از مادرها که در حیاط منتهی به یکی از دالان‌های بازار بین‌الحرمین در حال استراحت است، می‌گوید: «شوک واقعی پارسال بود که بچه‌ها بعد از کرونا باید حضوری می‌رفتن مدرسه، وقتی رفتیم خرید دیدیم قیمت‌ها نسبت به قبل از کرونا به شکل عجیبی بالا رفته، امسال هم بدتر از پارسال.» خانم کناری‌اش اضافه می‌کند: «اگر فقط لوازم‌التحریر گرون میشد باز آدم یه کاری می‌کرد، شما ببین تو این چند ماه، نون چند بار گرون شد، گوشت و میوه و هر چیزی که فکرش رو بکنید چند برابر شده، اینه که گرون شدن وسایل مدرسه فشار رو بیشتر کرده، شاید بشه گوشت و مرغ رو حذف کرد، اما دفتر و مداد رو که نمیشه نخرید.» یکی از مادرها می‌گوید: «من هر سال فقط لوازم ضروری که اول سال لازم دارن رو می‌خرم، بقیه وسایل که ضروری نیستن در طول سال می‌خرم که فشار هزینه‌های اول مهر کمتر بشه، اما مساله اینه که کلاً قدرت خریدمون اومده پایین، حقوق ما کفاف هزینه‌های زندگی رو نمیده، اینه که برای لوازم‌التحریر بچه‌ها هم یه فشار بیشتری روی دوش خانواده‌هاست.» یکی از خانم‌ها از فروش لوازم‌التحریر به قیمت پایین‌تر در بازارچه‌های فصلی در سال‌های

گذشته می‌گوید و اینکه چند سالی است که خبری از این بازارچه‌ها نیست «انگار دیگه برای کسی مهم نیست که مردم چقدر تحت فشار هستن.» چندی پیش در خبرها آمده بود برخی فروشندگان، لوازم‌التحریر را در اقساط سه و چهار ماهه عرضه می‌کنند. خانم‌هایی که دور هم جمع شده‌اند از خبر فروش قسطی لوازم‌التحریر اطلاعی ندارند اما می‌گویند: «الان که همه چیز رو قسطی می‌خریم، اگر چنین چیزی درباره لوازم‌التحریر هم باشه، مردم حق دارن بخرن، زندگی سخت شده.» مادر یکی از بچه‌ها وارد بحث شده و می‌گوید: «روپوش شده 900 هزار تومن، سرویس هنوز قیمت نداده، تازه وقتی برن مدرسه، معلم هم به لیست جدید می‌ده دوباره باید بیایم خرید، خرج‌های دیگه هم دارن در طول سال، کسی که دانش‌آموز نداشته باشه نمی‌تونه این فشارها رو درک کنه، تازه وقتی هم بچه‌ها رو می‌فرستیم مدرسه، مثل پارسال باید مدام تنمون بلرزه که تو مدرسه اتفاقی نیفته و بچه سالم بر می‌گرده خونه یا نه...» بچه‌ها سرگرم بررسی دفتر و مدادهایی هستند که از میان انبوه مدل‌ها و طرح‌ها انتخاب کرده‌اند، پدر و مادرها اما نگرانند، نه فقط نگران تامین هزینه لوازم‌التحریر و خرید مدرسه که نگران آینده‌ای که بچه‌ها با این وضعیت اجتماعی و اقتصادی خواهند داشت.

افزایش 40 درصدی قیمت لوازم‌التحریر

و دغدغه‌هایی از نوع دیگر

آمارهای رسمی از افزایش قیمت لوازم‌التحریر نسبت به سال گذشته می‌گویند، هر چند موسی فرزانیان، رییس اتحادیه فروشندگان لوازم‌التحریر و نوشتافزار تهران به خبرگزاری مهر گفته است: «بعد از فروردین هیچ افزایش قیمتی در نوشتافزار نداشتیم» اما این را هم گفته که نسبت به مهرماه سال گذشته، قیمت‌ها افزایش و فروش لوازم‌التحریر کاهش داشته است: «فروش لوازم‌التحریر تقریباً 30 درصد کاهش داشته که دلیل آن گرانی و تورم است. کالاها گران شده و مصرف کاهش پیدا کرده. لوازم‌التحریر در یکسال گذشته 30 تا 40 درصد گران شده. دفتر 20 درصد و مداد 40 درصد و خودکار ۱۰ تا ۱۵ درصد گران‌تر شده است.» فرزانیان معتقد است لوازم‌التحریر به مرور در حال تبدیل شدن به یک کالای لوکس است: «قدرت خرید خانواده‌ها به قدری پایین آمده که کالاهای معمولی را هم نمی‌توانند تهیه کنند. به طوری که جعبه مداد رنگی ۲۴ عددی یا آبرنگ، تبدیل به کالای لوکس شده است.» فرزانیان اما بعد از بیان مشکلات خانواده‌ها برای تامین هزینه‌های تحصیل فرزندان‌شان، از دغدغه‌ای عجیب در میان نهادهای متولی و ناظر

هم گفته است: «بازرسان وزارت صمت، تعزیرات حکومتی و اتاق اصناف به طور مداوم سرکشی و با تخلفات برخورد می‌کنند. فروش دفترهایی که طرح جلد آنها شخصیت‌های والت‌دیزنی یا کارتونی باشد ممنوع است و واحد متخلف جریمه و پلمب می‌شود.» در بازار تهران اما خبری از این محدودیت نیست و حقیقت این است که خریداران ناگزیر به انتخاب وسایل و دفترهایی با جلد ساده‌تر هستند که قیمت به نسبت مناسب‌تری دارند. ازدحام و شلوغی بازار در روزهای آخر تابستان، نشانی از شور و شوق و حرف‌های زیبایی شعاری برای اول مهر ندارد. کافی است کنار مشتریان یکی از دستفروش‌ها چند دقیقه تامل کرده و مکالمه‌ها را بشنوید تا دغدغه‌ها و نگرانی‌های حقیقی مردم دستگیرتان شود. با این حال جمعیتی که برای خرید مدرسه به بازار تهران آمده‌اند، نمی‌توانند کل جامعه را نمایندگی کنند، این خانواده‌ها آنگونه که بیان می‌کنند به هر ترتیبی شده هزینه‌ها را مدیریت می‌کنند تا فرزندشان بتواند با خیال آسوده درس بخواند. در مناطق محروم و حاشیه‌نشین اما قواعد دیگری حاکم است. اغلب خانواده‌های حاشیه‌نشین و محروم که با آسیب‌های اجتماعی متعدد درگیر هستند، ناگزیر کودکان را به چشم نیروی کار می‌بینند و گرانی هزینه‌های تحصیل، عامل مهمی است برای‌شان تا بچه‌ها را به جای کلاس درس به محلی مثل کارگاه یا چهارراه‌ها برای کار کردن و کسب درآمد راهی کنند. در بسیاری از شهرها هم هستند خانواده‌هایی که حتی اگر بخواهند هم نمی‌توانند به هر ترتیبی شده هزینه تحصیل فرزندانشان را تامین کنند و همین امر مقدمه‌ای می‌شود برای جاماندن دانش‌آموزان از تحصیل؛ پدیده‌ای که حتی آمارهای رسمی هم خبر از روند افزایشی آن دارد.

روند رو به رشد جاماندگان از تحصیل

جاماندن از تحصیل موضوعی است که در سال‌های اخیر جامعه‌شناسان در مورد تبعات آن هشدارهای جدی داده و آمارهای سالانه نشان از روند رو به رشد آمار آن دارند. معصومه نجفی پازوکی، معاون ابتدایی وزیر آموزش و پرورش ابتدای شهریور 1402 اعلام کرد: «حدود ۱۶۰ هزار و ۴۷۹ کودک شش تا یازده ساله ایرانی در سال جاری از تحصیل بازمانده‌اند.» مجتبی هاشمی، مدیرکل ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات وزارت آموزش و پرورش هم با بیان اینکه پایان مهلت ثبت‌نام برای کلاس اولی‌ها پایان مردادماه بوده، اعلام کرده است: «در ابتدای شهریور ماه سال جاری ۲۷ درصد کلاس اولی‌ها هنوز ثبت‌نام نکرده‌اند.» این آمار نسبت به سال گذشته -که آمارهای رسمی از 23 درصد جامانده از تحصیل در پایه اول دبستان خبر می‌داد- چهار درصد افزایش داشته

اسفندماه سال گذشته مرکز پژوهش‌های مجلس گزارشی در خصوص آمار بازماندگان از تحصیل و ترک تحصیل دانش‌آموزان منتشر کرد که نشان می‌داد: «۹۱۱ هزار و ۲۷۲ کودک لازم‌التعلیم در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ از تحصیل بازمانده‌اند و ۲۷۹ هزار و ۱۹ دانش‌آموز در این سال ترک تحصیل کرده‌اند» این گزارش تاکید دارد: «آمار بازماندگان از تحصیل همسو با سیاست‌گذاری‌ها و در جهت کاهش و در نهایت به صفر رسیدن نیست، بلکه این نرخ در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ نسبت به سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۵ به میزان ۱۷.۱۵ درصد افزایش داشته است و جمعیت ترک تحصیل در دوره ابتدایی و متوسطه اول (دوره آموزش و پرورش عمومی) از سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ تا سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ رو به افزایش بوده است.» بر اساس این گزارش حدود ۷۰ درصد از کودکان بازمانده از تحصیل در دهک اول تا پنجم قرار دارند و پنج استان سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی، تهران، خوزستان و آذربایجان غربی بیشترین آمار بازماندگان از تحصیل را به خود اختصاص داده‌اند. مرکز پژوهش‌های مجلس در بخش نتیجه‌گیری این گزارش آورده است: «به‌طور کلی می‌توان گفت که بازماندگی از تحصیل با وضعیت رفاه خانوار مرتبط است.» جزییات پراکندگی آمارهای مربوط به بازماندگان از تحصیل و اظهارنظر جامعه‌شناسان و اقتصاددانان نیز موید همین امر است که رابطه مستقیمی بین فقر و بازماندن از تحصیل وجود دارد. علی اصغر سعیدی، جامعه‌شناس در گفت‌وگویی با تجارت‌نیوز با بیان اینکه «هم فقر خانواده‌ها بر آموزش و بازماندگی از آموزش تاثیر دارد هم آموزش بر فقر» تبعات این امر را بررسی کرده و گفته است: «بازماندن از تحصیل ایجاد نابرابری می‌کند و می‌تواند تبعات سختی داشته باشد. چون وقتی فرد تحصیل نمی‌کند سرمایه فرهنگی هم به دست نمی‌آورد، بنابراین از داشتن برخی از مشاغل جا می‌ماند. بازماندن از تحصیل در مقاطع مختلف تبعات متفاوتی دارد. در مقطع ابتدایی، بی‌سوادی برخی مانع توسعه اجتماعی می‌شود. نظام آموزشی فقط یادگیری برخی دروس نیست. هر نظام آموزشی یک برنامه پنهان دارد که همان اجتماعی کردن فرد و آشنا کردن او با قواعد اجتماعی است. لذا بازماندگی طولانی‌مدت نوعی محرومیت اجتماعی به دنبال دارد. اگر افزایش جرایم را هم بررسی کنید، یکی از دلایل آن، بازماندن از تحصیل است. بنابراین نه تنها اجباری کردن آموزش بلکه ضمانت آموزش در مقطع ابتدایی وظیفه دولت است. عمدتاً خانواده‌هایی که مجبورند فرزند خود را از مدرسه بیرون بیاورند و به بازار کار بفرستند، بازار کار غیررسمی در انتظار آنهاست. اگرچه در بازار

کار غیررسمی، درآمدی دارند اما عوارض اجتماعی سختی هم ممکن است به دنبال داشته باشد، مانند بزهکاری و...»

رضامراد صحرایی، وزیر آموزش و پرورش در مورد افزایش آمار بازماندگان از تحصیل در سال جاری گفته است: «فقر یکی از مهم‌ترین مولفه‌های جاماندن از تحصیل است. استان‌هایی که دهک‌های پایین‌تری از جامعه را دارند، بیشتر با این موضوع مواجه هستند. به صورت کلی پنج استان کشور با انسداد تحصیل به علت فقر مواجه هستند.» او اعلام کرده کارگروهی ویژه برای رسیدگی به این موضوع تشکیل شده است، اما در مورد اینکه دولت چه راهکاری برای حل مشکلاتی که منجر به گسترده‌گی فقر در سطوح مختلف جامعه شده و می‌تواند باعث افزایش این آمار شود، چیزی نگفته است. وزیر آموزش و پرورش اشاره‌ای به این موضوع هم نکرده که دولت تا چه اندازه موظف است تحصیل رایگان را - به ویژه در استان‌هایی که بالاترین آمار بازماندن از تحصیل را دارد - توسعه دهد یا با پرداخت یارانه یا راهکارهای اصولی دیگر از افزایش این آمار جلوگیری کند. در اصل ۳۰ قانون اساسی آمده است: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد» اما هنوز برای بسیاری از خانواده‌های ایرانی، تامین هزینه‌های تحصیل فرزندشان چالشی بزرگ محسوب می‌شود که در مواردی راهکار حل آن، ترک تحصیل فرزندان است.

ضرورت طرح پویش واقع‌بینی

«شما دانش‌آموزان برای اینکه بدانید در گذشته کجا بودیم، اکنون در چه جایگاهی هستیم و مسیر آینده کدام است، می‌توانید پیشرفت‌های کشور را به تصویر بکشید. امسال به جای پرسش مهر، پویش مهر را مطرح می‌کنم، من از شما دانش‌آموزان می‌خواهم با قلم خود پیشرفت‌های کشور را گزارش دهید و در مدرسه به نمایش بگذارید تا سایر دانش‌آموزان و والدین مشاهده کنند.» این جملات را رییس‌جمهور در مراسم آغاز سال تحصیلی بیان کرده است و به نظر می‌رسد فاصله معناداری با مسائلی دارد که دانش‌آموزان در دنیای حقیقی در حال تجربه آن هستند. جاماندن همکلاسی‌هایشان از تحصیل به دلایل مختلف و غیبت معلم‌ها در کلاس به دلایل گوناگون و صورت از سیلی سرخ پدر در خانه حقیقتی است که دانش‌آموزان آن را به خوبی درک می‌کنند، اما باید دید چطور می‌توانند آن را به تصویر بکشند تا مشخص شود «در گذشته کجا بودیم و اکنون در چه جایگاهی هستیم.» شاید بهتر بود دانش‌آموزان پویش واقع‌بینی را برای مسوولان طرح و از آنها

میخواستند میزان پیشرفت جامعه را به تصویر بکشند.

منبع: روزنامه اعتماد 4 مهر 1402 □□□□□□